

۲۱۹

سال پنجم • شنبه ۲ اردیبهشت ۹۶
۱۳۲ صفحه • ۸۰۰۰ تومان



مصاف توسعه و تقسیم

بررسی و تحلیل اظهارنظرهای اولیه داوطلبان سرشناس انتخابات نشان از تقابل دو دیدگاه در زمینه مسائل اقتصادی دارد؛ در یک سو سیاستمدارانی که توزیع منابع را مقدم بر توسعه می‌شمارند و در مقابل، آنها که معتقدند توسعه بر سیاست‌های توزیعی ارجح است. در این شماره تلاش کرده‌ایم به این پرسش پاسخ دهیم که اقتصاد ایران در حال حاضر به چه رئیس‌جمهوری نیاز دارد؟

شارژ فرودستان

هدف دولت از سه برابر کردن یارانه اقشار خاص چیست؟

حکای هکرها

چرا فعالیت هکرها تشدید شده است؟

مجمع دیوانگان

احتمال جنگ میان آمریکا و کره شمالی چقدر است؟



رشد نامطمئن

بررسی بازار سهام از دو دوربین رونق معاملات نمادهای کوچک و انتخابات

تقریباً همه تحلیلگران، سرمایه‌گذاران و فعالان در بازار سرمایه به این اصل معتقدند که بازار سرمایه به نوسانات خود زنده است و بخش غیر قابل کتمان از این بازار باید در اختیار سفته‌بازان باشد چراکه آنها موجب رونق در خرید و فروش و کشف قیمت‌های واقعی می‌شوند. در شرایط رونق نکته قابل تمایز بین سفته‌بازان و سایر سرمایه‌گذاران وجود ندارد چراکه عموماً همه گروه‌ها بر اساس دلایل قابل قبول خود به خرید سهام روی می‌آورند، در واقع نتیجه همه تصمیمات به خرید منتج می‌شود که چون شرایط اقتصادی در دوره رونق قرار دارد نتیجه این تصمیمات نیز درست است. اما در شرایط رکود، رفتارها، تصمیمات و نتایج آن متفاوت است.

● علل تب و تاب نمادهای کوچک

در چنین شرایطی افراد بسیار زیادی به فروش، خروج و نخردن دارایی روی می‌آورند که دلایل بنیادی قابل قبولی نیز برای آنها می‌توان متصور شد. اما عموم سفته‌بازان در این بازه زمانی نیز برای خرید آماده هستند و معمولاً با استنادهای ضعیفی نیز به تحریک سایر سرمایه‌گذاران به خرید روی می‌آورند. رفتار سهامداران عمده اما در بازار رکودی متفاوت از سفته‌بازان است. در شرایط رکودی این گروه به فروش یا بهینه کردن پورتفوی خود روی می‌آورند. در نتیجه سفته‌بازان نمی‌توانند وارد سهم‌هایی شوند که سهامدار عمده نیاز به نقدینگی دارد یا در حال خروج از سهم است.

در چنین شرایطی بهشت سفته‌بازان سهم‌های کوچک، در بازارهای فرعی یا خارج از بورس است که هم می‌توان با پول اندک قیمت سهام را جابه‌جا کرد، هم این‌گونه سهم‌ها با ابهامات فراوانی که دارند قدرت خوراک شایعه‌پردازی منحصر به فردی دارند و نهایتاً نیز با سهامدار عمده‌ای نداشته یا سهامدار عمده منفعلی دارند که فروش یا عدم فروش سهام آن شرکت تاثیر خاصی بر بازار ندارد. در این‌گونه معاملات عمدتاً چند نفر سود می‌کنند اما این بازی منجر به تضعیف کلیت بازار و ضرر اکثر سهامداران می‌شود. چنانچه خروج از بازار از سوی عموم سرمایه‌گذاران، عدم اعتماد نسبت به اصل بازار سرمایه باشد وقوع چنین اتفاقاتی قطعاً منجر به خروج سرمایه‌گذاران بیشتر می‌شود. وضعیت دو ماه گذشته بازار سرمایه ایران نیز بسیار شبیه به موارد فوق‌الذکر است. بازار سرمایه از دی‌ماه سال ۹۲ وارد رکود شد که اکنون حدوداً ۴۰ ماه ادامه‌دار شده است. میزان ریزش بازار در طول این ۴۰ ماه حدوداً ۱۳ درصد بود در حالی که در بازار موازی در طول همین مدت بازدهی سرمایه‌گذاران در بازار پول حدوداً ۹۲ درصد شده است.

در نتیجه زیان سرمایه‌گذاران با احتساب هزینه-فرصت حدوداً ۱۰۵ درصد بوده است. به عبارت بهتر چنانچه فردی در دی‌ماه ۹۲ سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه را به سرمایه‌گذاری در بازار پول ترجیح داده بود عملاً پنج درصد بیشتر از اصل سرمایه خود در طول این مدت متضرر شد. با توجه به چنین شرایطی طبیعتاً سهامداران بسیار زیادی غیرفعال شده و بازار کوچک‌تر از قبل شده است. سفته‌بازان فعال در بازار طبیعتاً سراغ سهم‌های کوچک‌تری رفته تا هم با پول اندک قدرت خرید بخش عمده آن را داشته باشند

و هم سهامدار عمده فروشنده نداشته باشند و مهم‌تر از آن نهادهای ناظر بازار سرمایه نسبت به آنها کم‌توجه هستند. خروج از رکود در این نمادها را نمی‌توان به رونق بازار نسبت داد و حتی می‌توان نشانه وجود در دوران رکود دانست. خوشبختانه در حال حاضر با توجه به وجود فضای مجازی و روشنگری‌های دلسوزانه تحلیلگران و پیشکسوتان بازار سرمایه، عموم مردم خریدار چنین سهم‌هایی نیستند و حتی توجه نهادهای نظارت‌کننده نیز به این بازار جلب شده است، در نتیجه نمی‌توان رشد قارچ‌گونه بیشتری را برای آنها متصور بود.

● شرایط بازار سرمایه قبل و پس از انتخابات

به‌طور سنتی سهام شرکت‌ها با اتفاق در شرکت حرکت نمی‌کنند، چراکه پیشتر از آن با شایعات نوسانات خود را داشته‌اند. ضرب‌المثل «باشایعه بخور و با واقعیت بفروش» که در میان اهالی بازار سرمایه دهان به دهان می‌چرخد، بی‌ارتباط با این موضوع نیست. سهامداران عمدتاً قبل از وقوع خبر شایعات مربوط به آن را شنیده و تصمیمات خود را برای خرید یا فروش با همان شایعه می‌گیرند. در نتیجه میل به شنیدن شایعات بیشتر از میل به شنیدن اصل خبر در میان اهالی بازار سرمایه است.

یکی از مهم‌ترین اتفاقات پیرامون بازار سرمایه و مهم‌ترین رخداد کشور در حوزه اقتصادی را می‌توان انتخابات ریاست‌جمهوری و تعیین تیم اقتصادی تصمیم‌گیرنده در کشور دانست. به‌خصوص اینکه در چند سال گذشته که بورس کشور وسعت بیشتری به خود گرفته ارتباط بین وضعیت اقتصادی و عملکرد شاخص‌های بورس بیش از پیش نمایان شده است. به‌عنوان مثال زمانی وضع تحریم‌های ظالمانه علیه کشورمان و رفع آنها مهم‌ترین عوامل

تاثیرگذار بر بازار سرمایه بودند. علاوه بر آن افزایش نرخ تورم و مهار آن بر بازار سرمایه در برهه مختص خود، تاثیرات انکارناشدنی داشتند.

برجام توانست وضعیت اقتصاد کشور و بورس کشور را بهبود بخشد و رکودی که اکنون اقتصاد کشور درگیر آن است، تاثیر خود را در بورس کشور نیز گذاشته است. در نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری می‌تواند تومانی مهم‌ترین رخداد برای بورس نیز باشد.

طبیعتاً در بازه زمانی تا برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری ریسک قابل توجهی به بازار سرمایه وارد می‌شود و بازار شایعات در این دوره داغ است. به‌طور کلی انتخابات ریاست‌جمهوری را می‌توان در رده ریسک سیستماتیک تلقی کرد. به‌طور عموم در ایام انتخابات نامزدهای ریاست‌جمهوری با وعده‌های بهبود فضای کسب‌وکار، تولید و راندمان بیشتر، حمایت از تولیدات داخلی و شرکت‌های موجود و... وارد کارزار انتخاباتی می‌شوند. طبیعی است که چنین شرایطی برای سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه ایده‌آل است. عموماً در این دوران سرمایه‌گذاران وارد جو خوش‌بینی می‌شوند در نتیجه بورس به صورت سنتی در ایام قبل از انتخابات رشد فزاینده‌ای را ثبت می‌کند. اما پس از انتخاب شدن رئیس‌جمهور می‌بایست به گذشته و شرایط فکری رئیس‌جمهور منتخب توجه کرد.

در حال حاضر فضای انتخابات کشور همانند دو دهه گذشته دوقطبی است. در یک قطب جناح تدبیر و امید که اعتدالیون و اصلاح‌طلب‌ها قرار دارند و در قطب دیگر نیز جناح اصولگرا. اقتصاد و بورس کشور این دو گروه را با ویژگی‌های منحصر به فردشان می‌شناسد.

جناح اصولگرا عموماً سیاست‌های انبساط پولی و مالی را در جامعه پیگیری می‌کند و در دوره ریاست این گروه معمولاً نرخ‌های ارز رشد محسوسی دارند، نقدینگی وارد جامعه می‌شود، نرخ تورم رشد می‌کند و عموماً نرخ سود بانکی پایین‌تر از نرخ تورم است، در کشور رکود کاهش می‌یابد و البته در این دوره تا حدودی تنش‌های سیاسی و بالطبع اقتصادی و تحریم‌ها نیز تشدید می‌شود.

پیش‌بینی می‌شود چنانچه از این جناح شخصی رئیس‌جمهور شود ابتدا بازار مقداری افت داشته باشد اما در نهایت با رشد نرخ دلار واخذ سیاست‌های انبساطی شاخص‌های بورس رشدی باشند. در مقابل جناح اعتدال عموماً اوضاع اقتصادی کشور آرام است، نرخ رشد اقتصادی پایدار، تورم کاهشی و نرخ ارز با ثبات است. اما در بازارها تحرک خاصی وجود ندارد و کشور به راحتی مستعد رکود می‌شود. در دوران ریاست‌جمهوری این جناح اما مقداری تنش‌های سیاسی کمتر بوده و تحریم‌ها کمتر از قبل خواهند بود در نتیجه رشد صادرات و رشد واردات تومانی اتفاق خواهد افتاد.

چنانچه از این جناح شخصی پیروز انتخابات شود پیش‌بینی می‌شود حرکت بورس همانند حرکت همه بازارها آرام باشد و بورس با نرخ رشد اقتصادی به‌صورت ملایمی رشد به همراه ثبات داشته باشد. ■